

سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ می‌تواند باعث ائتلاف چین و اروپا شود؟

# شاید برای شما هم اتفاق بیفتد



سیدمهدی طالبی  
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

چین و اتحادیه اروپا درحال با رگشت به تنظیمات روابط خود در دولت اول «دونالد ترامپ» هستند. در آن دوره «آنگلا مرکل» صدراعظم سابق آلمان رهبری کشورهای مخالف ترامپ در غرب را برعهده داشت و با انعقاد توافق‌نامه‌های تجاری با چین، به یکجانبه‌گرایی ترامپ واکنش نشان داد. در این دوره آلمان هنوز به ثبات نرسیده و دو ماه پس از برگزاری انتخابات پارلمانی، کماکان صدراعظم جدید انتخاب نشده است. «فردریش مرتس» رهبر حزب دموکرات مسیحی و پیروز انتخابات، با ابراز انتقادات جدی از آمریکا به عنوان اصلی‌ترین نامزد صدراعظمی، توانایی‌های رهبری جریان ضدترامپ در غرب را به نمایش گذاشته، اما همچنان همان رهبر حزب باقی مانده است.

«امانوئل مکرون» رئیس جمهور فرانسه که در فقدان رهبری مؤثر در آلمان، رئیس اصلی اتحادیه اروپاست، بر تقویت اتحاد داخلی اتحادیه و شکل دهی به ارتش اروپایی متمرکز است؛ به ویژه اینکه با چراغ سبزهای ترامپ به «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه و تحقیر «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین، اوضاع جنگ در شرق اروپا چندان مناسب نیست.

موتور قاره سبز برای مقابله با ترامپ اما روشن‌تر از آن است که رؤسای دولت‌ها، منتظر قافله‌سالاری آلمان و فرانسه باشند. روزجمعه «پدروسانتچو» نخست‌وزیر اسپانیا در پکن با «شی جینگ پینگ» رئیس جمهور چین دیدار مهمی داشت. سانتچو که کنشورش در قفقازیای جنگ غزه روابط ملتهبی را با رژیم صهیونیستی از سر گذرانده است، در این دیدار از شی شنید که «چین و اتحادیه اروپا باید به طور مشترک با ارباع یکجانبه نه تنها برای محافظت از حقوق و منافع مشروع خود، بلکه برای حمایت از عدالت و انصاف بین‌المللی و برای محافظت از قوانین و نظم بین‌المللی مخالفت کنند».

به موازات این سفر، ساوت چینا مورینگ روز گذشته گزارش داد که قرار است تا چند ماه دیگر «آنتونیو گاستا»، رئیس شورای اروپا به همراه «اورزولا فون در لاین»، به پکن سفر کرده و با رئیس جمهور چین دیدار کنند؛ در صورت برگزاری این سفر، اجلاس اتحادیه اروپا و چین برای دومین سال متوالی در پکن برگزار خواهد شد.

اعلام خبر برگزاری این اجلاس منطبق بر تشنج در روابط آمریکا با چین

و اتحادیه اروپا و مماس بر سفر نخست‌وزیر اسپانیا، درحالی که چنین

سفری قرار است در اواخر جولای (اواسط تابستان) برگزار شود، نشانه‌ای

از پربنگ شدن همکاری‌های دوطرف، برای در امان ماندن از تنش‌زایی‌های

ترامپ است. برای فهم دقیق آنچه میان این سه ضلع می‌گذرد، باید به

چند سؤال حیاتی جواب داد.

### — قدرت‌های اصلی اقتصادی کدامند؟

قدرت اقتصادی جهان در سه منطقه جغرافیایی قرار دارد. از نظر «توسعه فناوری»، «حجم تولید»، «گسترده‌گی فروش جهانی»، «سیستم‌های مالی»، «جمعیت کافی» و «قابلیت‌های دفاعی» تنها قاره آمریکای شمالی، نیمه غربی اروپا و شرق آسیا حائز اهمیت هستند. اگر به شکل جزئی‌تر دیده شود، هسته مرکزی این مناطق به ترتیب آمریکا، چین و با کم‌ای اغماض اتحادیه اروپا هستند. کشورهای بزرگی از این دایره بیرون می‌مانند که هرکدام به دلیلی است. ژاپن از نظر توسعه فناوری، حجم تولید و گسترده‌گی فروش جهانی همانند این سه قدرت اقتصادی است، اما نه سیستم مالی جداگانه‌ای دارد و نه از قابلیت‌های دفاعی مستقلی بهره می‌برد. اروپا نیز گرچه برای تأمین امنیت خود به آمریکا وابسته است، اما حضور فرانسه در اتحادیه اروپا و نشستن ناگزیر انگلیس در خانه‌قاره سبز، باعث شده توانمندی‌های نظامی و امنی قابل توجهی داشته باشد. روسیه فناوری‌های مهمی را در اختیار دارد، اما این فناوری‌ها عموماً در زیرساخت‌های بزرگ مانند نیروگاه‌های هسته‌ای، کشتی‌سازی، هواپیماسازی و برداشت انرژی توسعه یافته‌اند و البته در همین بخش‌ها نیز قادر به هم‌واردی

## ماجرای کمپین «نمی‌دانم» چیست؟

# خلاقیت یمنی در جنگ امنیتی



زهرا طالبی  
جریئگان گروه سیاست

پویش «نمی‌دانم» یمنی‌ها، ضدحمله تازه نیروهای یمنی به تلاش صهیونیست‌ها برای جلوگیری از نفوذ اطلاعاتی اسرائیل و جمع‌آوری اطلاعات در مورد این کشور است. واقعیت آن است که نیروهای صهیونیستی اشراق کاملی بر یمن ندارند و همین باعث شده نتوانند ابزاری را به کار گیرند که برای مقابله با کشورهای حامی محور مقاومت استفاده می‌کنند.

رسانه‌های صهیونیستی اما چندماه پیش از اوج گرفتن اثر دیگری‌ها نوشتند اسرائیل به‌دنبال جذب یهودی‌های یمنی است که به زبان عبری مسلط باشند و می‌خواهد از آنها برای کنترل افکار عمومی در یمن هم استفاده کند. حوثی‌های یمنی در پاسخ به تلاش تازه صهیونیست‌ها، پویش «نمی‌دانم» را راه انداختند و از آنها خواستند در پاسخ به هر سؤالی در مورد تعداد شهدا، محل حملات، تنها یک پاسخ بدهند: «نمی‌دانم». آنها از قالب رسانه برای مقابله با جاسوسی‌های صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها استفاده کردند. در مقام مقایسه، در مواقع پرزور رویدادهای مشابه در ایران، خلأ مواجهه‌های هوشمندانه که نه به پایکوت رسانه‌ها منجر ششود و نه فرصتی برای راه انداختن جنگ روانی به پروژه‌سازان علیه ایران دهد، بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد.

### — پروژه اطلاعاتی صهیونیست‌ها متمرکز روی یمن

چندی‌س ماه، پیش از بالا گرفتن حملات گسترده آمریکا، رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند اداره اطلاعات ارتش اسرائیل، ده‌ها یهودی اسرائیلی یمنی را که به گویش عبری یمنی، مسلطند، برای حمایت از عملیات خود علیه حوثی‌های یمن، استخدام کرده است. اسرائیل با استخدام یمنی‌هایی که به زبان و خانواده‌های عرب‌زبانی بودند که با ریشه یمنی بزرگ شده بودند، به‌دنبال جمع‌آوری اطلاعات در مورد فرهنگ و زبان یمن بودند. حالا بعد از حملات گسترده آمریکایی‌ها به یمن، به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها تلاش‌های اطلاعاتی گسترده‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات از یمن آغاز کردند. نیروهای اطلاعاتی صهیونیستی رسانه را بستر مناسبی برای جذب

### — ظرفیت‌های اقتصادی قدرت‌ها چگونه است؟

بدون سروری دلار و قدرت نظامی، آمریکا توان حفظ برتری اقتصادی خود بر اروپا را ندارد. واشنگتن همانند دهه ۱۹۸۰ که از قدرت اقتصادی ژاپن و آلمان غربی احساس نگرانی کرد و افسار هردو را با اختیارات فرا اقتصادی کشید، در دهه‌های بعد این کار را با اتحادیه اروپا تکرار کرد. اقتصاد این دو در سال ۲۰۰۸ تقریباً برابر بود اما اروپا کمی بزرگ‌تر بود. در این سال تولید ناخالص داخلی اروپا ۲/۱۶ تریلیون دلار بود درحالی‌که آمریکا تولید ناخالص داخلی‌ای برابر با ۱۴/۷ تریلیون دلار داشت. در مقام مقایسه، در سال ۲۰۲۲ اقتصاد آمریکا ۲۵ تریلیون دلاری شد درحالی‌که اروپا با ۱۹/۸ تریلیون دلار، کوچک‌تر شده و اقتصادش معادل ۸۰ درصد اقتصاد آمریکا شد. این عقب‌افتادگی جز با تسلط آمریکا بر مناسبات مالی و نظامی جهان رخ نمی‌داد. واشنگتن این عقب‌افتادگی را به قاره سبز تحمیل کرد. اروپا همایی است که در سال ۲۰۰۸ از نظر تولید ناخالص داخلی بر آمریکا برتری داشت.

چین نیز همین‌گونه است. این کشور به مدد نیروی کار عظیم، متخصص، مدیریت صحیح داخلی و خارجی به جهان بازگشته است. چینی‌ها تنها یک دهه



با غرب و دیگر مجموعه‌ها نیست. در هواپیماسازی صادرات غیرنظامی روسیه به شدت محدود است و با وجود پیشرو بودن در احداث نیروگاه‌های هسته‌ای در جهان، در حوزه نیروگاه‌های برقی حرفی برای گفتن ندارد.

مهم‌تر از همه شاید انگلیس باشد. این کشور از اتحادیه اروپا خارج شده است اما اهمیت بزرگی دارد. انگلیس را باید همراه با کانادا و استرالیا دید. مجموع وسعت، جمعیت، منابع، قدرت فناوری و نظامی این سه کشور، آن چیزی است که لندن در اختیار دارد. با وجود ابعاد گسترده این امپراتوری زیرپوستی‌شده، هرچند انگلیس مهم دیده می‌شود اما نگاهي به مانند یک مجموعه در ابعاد واقعی‌اش به آن صورت نگرفته است. آن‌ها بیشتر تلاش کرده‌اند در نسبت همکاری با آمریکا، اتحادیه اروپا یا چین قرار گیرند. هنگامی که انگلیس در اتحادیه اروپا عضویت داشت، جهت‌گیری اروپایی‌اش در مستقیم‌ترین شکل آشکار بود. پس از خروج از اتحادیه، انگلیس تلاش کرد تحت زعامت حزب محافظه‌کار وارد اتحاد عمیق‌تری با آمریکا شود که این پروژه ناتمام ماند. با روی کار آمدن حزب کارگر، لندن وارد نزدیکی بیشتر با پکن و سپس بروکسل شد. قدرت واقعی انگلیس نه در سطح آمریکا، چین و اتحادیه اروپاست و نه آن قدری پایین که همانند ژاپن یا روسیه دیده شود.

نتیجه اما یکی است و سه قدرت اقتصادی اصلی جهان در واشنگتن، پکن و بروکسل خلاصه می‌شود.

### — ظرفیت‌های اقتصادی قدرت‌ها چگونه است؟

بدون سروری دلار و قدرت نظامی، آمریکا توان حفظ برتری اقتصادی خود بر اروپا را ندارد. واشنگتن همانند دهه ۱۹۸۰ که از قدرت اقتصادی ژاپن و آلمان غربی احساس نگرانی کرد و افسار هردو را با اختیارات فرا اقتصادی کشید، در دهه‌های بعد این کار را با اتحادیه اروپا تکرار کرد. اقتصاد این دو در سال ۲۰۰۸ تقریباً برابر بود اما اروپا کمی بزرگ‌تر بود. در این سال تولید ناخالص داخلی اروپا ۲/۱۶ تریلیون دلار بود درحالی‌که آمریکا تولید ناخالص داخلی‌ای برابر با ۱۴/۷ تریلیون دلار داشت. در مقام مقایسه، در سال ۲۰۲۲ اقتصاد آمریکا ۲۵ تریلیون دلاری شد درحالی‌که اروپا با ۱۹/۸ تریلیون دلار، کوچک‌تر شده و اقتصادش معادل ۸۰ درصد اقتصاد آمریکا شد. این عقب‌افتادگی جز با تسلط آمریکا بر مناسبات مالی و نظامی جهان رخ نمی‌داد. واشنگتن این عقب‌افتادگی را به قاره سبز تحمیل کرد. اروپا همایی است که در سال ۲۰۰۸ از نظر تولید ناخالص داخلی بر آمریکا برتری داشت.

چین نیز همین‌گونه است. این کشور به مدد نیروی کار عظیم، متخصص، مدیریت صحیح داخلی و خارجی به جهان بازگشته است. چینی‌ها تنها یک دهه

چنین طرحی نمی‌توانست مزیت‌های اقتصادی چین را نابود کرده و به افول اقتصادی پکن و برآمدن دهلی‌نو منجر شود، اما طرح کمربند جاده که هم اکنون نیز در فقدان آن چین درحال تبدیل شدن به برترین اقتصاد جهان است، به محاق می‌رفت. در این صورت و علی‌رغم برتری اقتصادی چین، مسیرهای تجاری پکن تحت نظارت و سیطره آمریکا می‌ماند. عملیات ۷ اکتر حماس در غزه طرح آمریکایی را فعلاً سوزاند. مشخص شده آمریکا و چین در فضایی که رقبای دیگر نیز حضور دارند، قادرند تا طرح‌های عظیم اقتصادی فراسرزیمینی یکدیگر را به آتش بکشند؛ پس اقدامات ایجابی به سست مسائل دیگر رفته است.

اتحادیه اروپا برای بازیگری مؤثرتر، نیازمند تقویت دو ویژگی خود است. آن‌ها فناوری و حجم تولید مناسبی دارند، اما باید بیشتر روی سیستم‌های تسویه مالی و قدرت نظامی خود کار کنند. اروپا در ابتدا و با ایران قصد داشت سیستم مالی مجزای خود را در قالب سیستم «اینستکس» راه‌اندازی کند که این اقدام با روبه‌رو شدن با تحریم آمریکا در نطفه خفه شد. در این میان ترس و بی‌عملی اروپا نیز اثرگذار بود چه اینکه چین، روسیه و برخی شرکای دیگر موفق به حفظ و ارتقای روابط تجاری خود با ایران هستند. گام‌بعدی اروپا تقویت قوای نظامی بود. این تلاش‌ها نیز تاکنون ناکام مانده‌اند اما در این حوزه، اروپایی‌ها فاقد امکانات نیستند. فرانسه دارای قوای نظامی و هسته‌ای معتبری است. این کشور با حدود ۳۰۰ سلاح هسته‌ای، تولید و انباشت مواد شکاف‌پذیر نظامی را متوقف کرده است، اما با توجه به ذخیره قبلی می‌تواند طی چند سال تعداد سلاح‌های خود را به ۶۰۰ مورد برساند. اگر اروپا سیستم تسویه مالی و قدرت نظامی خود را تقویت کند، دو راه بزرگ ضربه‌پذیری خود از سیاست‌های آمریکا را پوشش داده و ضمن یافتن

آزادی عمل بیشتر، از قدرت نسبی واشگتن می‌کاهد.

از میان سه بازیگر اصلی، چین و اروپا بیشتر بر اوضاع داخلی خود برای رقابت تمرکز دارند درحالی‌که آمریکا با توجه به ضعف رقابت‌پذیری خود نسبت به این دو و همچنین اکتا به توان نظامی، درصدد توسعه‌طلبی است. آن‌گونه که ترامپ گفته، او خواهان الحاق گرینلند و کانادا به خاک آمریکاست. جزیره خودمختار گرینلند جزئی از پادشاهی دانمارک است و کانادا نیز با وجود استقلال از انگلیس، تحت حکومت پادشاه این کشور فعالیت می‌کند. ترامپ خواهان در دست گرفتن کنترل کانان پاناما نیز شده است. آمریکا می‌خواهد با الحاق این مناطق ضمن بزرگ‌تر شدن فوری ابعاد اقتصادی‌اش، در آینده با اکتشاف منابع موجود در آب‌های شمال، قدرت خود را تقویت کند. کانادا با تولید ناخالص داخلی ۲/۱۶ تریلیون دلاری، پس از انگلیس، فرانسه و روسیه، نهمین اقتصاد بزرگ جهان است. سیاست توسعه‌طلبی ارضی برای تقویت اقتصاد را برخی دیگر از قدرت‌ها مانند روسیه نیز در پیش گرفته‌اند. روسیه با تسلط بر منابع معدنی و صنعتی دونباس و دریای سیاه قصد افزایش امتیازات خود را دارد؛ گرچه مسکو از دایره رقابت‌های اقتصادی خارج است.

### — تأثیر ترامپ بر رقابت‌ها

ترامپ می‌خواهد دو منطقه گرینلند و کانادا را که به اروپا مربوطند، اشغال کند. الحاق این دو منطقه نه تنها اروپا، بلکه انگلیس را نیز از آمریکا دورتر می‌کند. به معنای دیگر، دو بازیگر شامل اتحادیه اروپا و انگلیس همراه با الحاقات همیش مانند کانادا و استرالیا از آمریکا فاصله می‌گیرند. لندن با رسیدن «مارک کارنی» رئیس سابق بانک مرکزی انگلیس به نخست‌وزیری کانادا، پاسخ آشکاری به تلاش‌های الحاق‌گرایانه ترامپ داده است. این دوری می‌تواند اتحادیه اروپا و انگلیس را به چین نزدیک‌تر کند. به عبارتی دیگر این نزدیکی برای محافظت از اقتصادهای چین و اروپا ناگزیر خواهد بود. هردو مجموعه باید کالا‌های خود را صادر کنند و هیچ اقتصادی به جز قدرت برتر نیست که بتواند چنین کاری را با آن‌ها انجام داد. مهم آنکه برای هر دو امکان ماندن از شر آمریکا، چین به اروپا و اروپا به چین پناه می‌درد. اگر دیگر دولت‌ها نیز تصمیم بگیرند به این پناهگاه بپیوندند، آنگاه اوضاع آمریکا چگونه خواهد شد؟

### —

### —

### —

### —

### —

دست می‌داد. جدی نگرفتن اثر رسانه، باعث شد، نهایتاً افکار عمومی نیز عموماً رسانه‌های خارجی و دیگری‌ها را محل رجوع اخبار قرار دهند.

### — یمنی‌ها به مردم اعتماد کردند

موضوعی که در نوع مواجهه نیروهای یمنی با پروژه‌های صهیونیستی خود را نشان می‌دهد اکتا به مردم و استفاده از آنهاست. در واقع نیروهای یمنی با اصل قرار دادن اعتماد به مردم، آنها را برای مقابله با پروژه‌های صهیونیستی به خط می‌کنند. اتفاقی که در داخل کشور می‌افتد، درست در تقابل با این موضوع قرار دارد در بعضی موارد پنهان کردن یا عدم اطلاع‌رسانی درست به مردم و آگاهی ندادن به آنها، بی‌اعتمادی دوجانبه‌ای را ایجاد کرد که تنها میدان را برای بازی رسانه‌های صهیونیستی باز می‌کرد؛ موضوعی که هنگام بروز بحران‌ها در کشور سر باز می‌کند. در نگاه بخشی از افکار عمومی، آنچه آنها باید بدانند گفته نمی‌شود به همین منظور است که افرادی آگاهانه یا ناآگاهانه با انتشار فیلم‌ها و ویدئوها، فضای روانی جامعه را به هم می‌ریزند و خوراک خبری به رسانه‌های فارسی‌زبان می‌دهند.

### — مردم را غیردندایم

رهاسدگی و عدم مدیریت فضای رسانه‌ای، مسئولان رسانه‌ها را گاهی از این طرف و آن طرف بوم انداخته و گاهی نیز اخبار غیرضروری و کم‌اهمیت را ضریب داده است. اما ایراد اصلی کار را باید در فضای بی‌اعتمادی ایجادشده جست‌وجو کرد، البته موج‌سواری پروژه‌های صهیونیستی در ایجاد این فضای بی‌اعتمادی، بی‌تأثیر نبود. اگر به این موضوع باور داشته باشیم که گاهی لازم است به مردم بگوئیم اطلاعات در مورد یک موضوع در زمره اخبار محرمانه است و در مواردی که افکار عمومی نیاز به پاسخ دارد، بدون ظفره رفتن اصل موضوع را به مردم بگوئیم، با بحران بی‌اعتمادی مواجه نخواهیم بود. اهمیت توجه به این موضوع در آستانه شروع مذاکرات آمریکا و ایران نیز خود را نشان می‌دهد، هم‌زمان با شروع مذاکرات، رسانه‌های وابسته به صهیونیست‌ها با انتشار اخبار و شایعات در مورد مذاکرات، روی روان مردم و افکار عمومی راه می‌روند، در این موقعیت، «غیر» ندانستن مردم و اطلاع‌رسانی درست در مورد فرایند مذاکرات، مجالی برای پیشبرد این پروژه‌ها فراهم نمی‌کند.

که در ایران، اخبار بایکوت می‌شوند یا واقعیت آن منتشر نمی‌شوند، اخبار و اظهاراتی که در فضای رسانه‌ای کمک‌کننده نیستند یا حتی در مواردی آسیب‌زاست منتشر می‌شود.

در برخی اتفاقات که رسانه‌های فارسی‌زبان تعمداً روی آنها موج‌سواری می‌کنند تا جزئیاتی از زبان مقامات مسئول منتشر شود، مقامات و رسانه‌ها مواجهه‌ای کسه هم بتواند فضای افکار عمومی را کنترل کند، هم اجازه موج‌سواری به این رسانه‌ها را ندهد، کمتر انجام دادند. گاهی مسئولان کشوری برای آنکه این احساس به افکار عمومی منتقل نشود که اطلاعاتی از آنها پنهان می‌شود، از بیان کردن این موضوع که انتشار برخی اطلاعات در زمره اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و محرمانه قرار دارد، طفره می‌روند، درحالی‌که مطرح کردن این موضوع که انتشار اطلاعات در زمره اطلاعات طبقه‌بندی‌شده قرار دارد نیز خود پاسخی روشن به افکار عمومی است و اجازه سوءاستفاده دشمنان را نیز نمی‌دهد، فارغ از آنکه توانایی برای راه انداختن جریان رسانه‌ای در داخل کشور دیده نمی‌شود، قابلیت در اختیار گرفتن بخش اخبار مرتبط و کنترل افکار عمومی نیز کمتر مشاهده شده است.

### — میدان را خالی نکنیم

بخشی از این خطا ناشی از بی‌توجهی و نادیده گرفتن اخبار است، برای مثال در اخبار مذاکراتی که در سال‌های گذشته در جریان چند دور مذاکرات در ایران منتشر می‌شد، سیاستمداران اروپایی و آمریکایی در خط‌دهی به رسانه‌ها و دادن اطلاعات مذاکراتی به رسانه‌ها پیش‌قدم بودند و فضایی برای تأثیر گذاشتن بر افکار عمومی ایران پیدا می‌کردند و پیش از آنکه سیاستمداران ایرانی، اظهارنظری در مورد مذاکرات مطرح کنند، افکار عمومی داخل کشور درگیر اخباری می‌شد که رسانه‌های خارجی به نقل از مذاکره‌کنندگان اروپایی و آمریکایی منتشر کردند. این اتفاق در سایه نادیده گرفتن اهمیت اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و در اختیار گرفتن مرجعیت رسانه‌ای در ایران و اثر آن بر روند مذاکرات صورت می‌گرفت. خالی شدن میدان حضور رسانه‌های ایرانی، فضای افکار عمومی را دودستی در اختیار رسانه‌های خارجی قرار می‌داد. پس از آن ورد رسانه‌ها و اظهارنظر سیاستمداران ایرانی، موضوعیت اولیه را از

<sup>[1]</sup> سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ می‌تواند باعث ائتلاف چین و اروپا شود؟

# فرهنگ‌یگان

# فرهنگ‌یگان

# فرهنگ‌یگان

# فرهنگ‌یگان



شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۴



شماره ۴۳۸۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

